#### به نام خدا

# گزارش پروژه چهارم داده کاوی عاطفه نادری

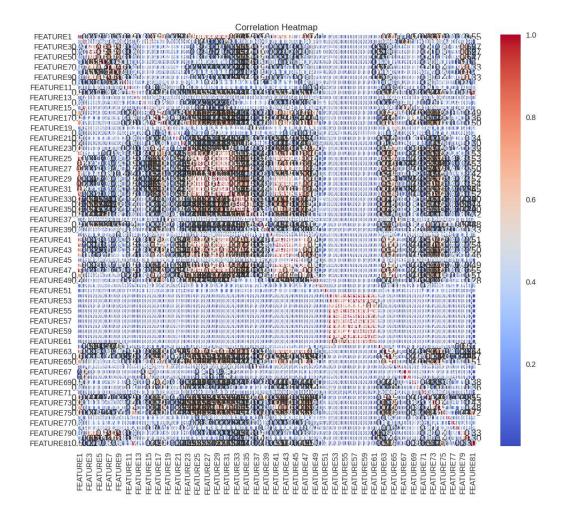
\*پیشاپیش ممنون که گزارش من رو میخونی. یکم وقت برای قشنگ سازی گزارش نداشتم.\* بیشتر عکس ها در کد قرار دارد.

### Preprocessing . 1

ابتدا دو ستون class label و class از فایل Data Set حذف میکنیم و روی ادامه آن که شامل ۸۱ ویژگی است با تابع z-score نرمالایز میکنیم. تا scale همه ستون ها در یک بازه قرار گیرند.

### feature analysis . 2

ماتریس هم بستگی را بدست آوردیم. و معیار همبستگی pearson استفاده نمودیم. و heat map آن را نیز رسم کردیم. هم چنین ۲۰ ویژگی ای که بیشترین تاثیر را داشته اند نیز به ترتیب نزولی لیست نمودیم. همانطور که در heat map مشخص است. آن جاهایی که رنگ قرمز تری داره نشان دهنده correalation بالاتری است.



#### Unsupervised . يادگيري . 3

برای مورد الف و ب از کتابخانه از این لینک استفاده شده است. مقدار K=5 قرار دادم. چند بار با معیار silhoouete دنبال بهترین k بودم منتها حدود  $\alpha$  ساعت روی کل دیتاست طول میکشید و چندین بار تا مراحل آخر رفت و قطع شد. با صحبت با  $\alpha$  محترم به همین مقدار اکتفا نمودم که برای  $\alpha$  مقدار  $\alpha$  مقدار  $\alpha$  است.

```
[46] # Import Special library to find feature importances after kmeans clustering from kmeans feature imp import KMeansInterp
```

'cluster/\_kmeans.py:870: FutureWarning: The default value of `n\_init` will change from

که پس از import نمودن آن، ابتدا با k-means کلاستر بندی میکند و سپس بر اساس متد wcss ویژگیها را رتبه بندی میکند. k-means اندازه گیری فشردگی(compactness) یا انسجام(cohesion) خوشهها در یک الگوریتم خوشه بندی، به ویژه wcss است. نشان می دهد که نقاط داده در یک خوشه چقدر به مرکز آن خوشه نزدیک هستند.

این روش از تابع اصلی:

```
def get_feature_imp_wcss_min(self):
    labels = self.n_clusters
    centroids = self.cluster_centers_
    centroids = np.vectorize(lambda x: np.abs(x))(centroids)
    sorted_centroid_features_idx = centroids.argsort(axis=1)[:,::-1]

    cluster_feature_weights = {}
    for label, centroid in zip(range(labels), sorted_centroid_features_idx):
        ordered_cluster_feature_weights = centroids[label][sorted_centroid_features_idx[label]]
        ordered_cluster_features = [self.ordered_feature_names[feature] for feature in centroid]
        cluster_feature_weights[label] = list(zip(ordered_cluster_feature_weights))

    return cluster_feature_weights
```

استفاده میکند.

نحوه کار بدین صورت است که از هر کلاستر مرکز آن را بدست می آورد. در واقع فاصله هر نقطه از مرکز برابر است با:

distance 
$$(C_j, p) = \sqrt{\sum_{i=1}^{d} (C_{ji} - p_i)^2}$$

بر اساس WCSS به موقع کلاسترینگ، برای به حداقل رساندن آن، هر نقطه داده به نزدیکترین مرکز اختصاص داده میشود.

$$WCSS(C_j) = \sum_{p_i=1}^{p_m} distance(C_j, p_i)^2$$

از آنجایی که هدف K-Means به حداقل رساندن مجموع مربع های درون خوشه ای ( K-Means به حداقل رساندن مجموع مربع های درون خوشه ای ( Squares است و با فرض اینکه متریک فاصله استفاده شده، فاصله اقلیدسی است، می توانیم ابعاد و ویژگی هایی را که مسئول بیشترین مقدار WCSS هستند (مجموع مربع های هر نقطه داده) را پیدا کنیم. به این صورت که اون مرکز یک فاصله ای نسبت به باقی ویژگی ها دارد و بر اساس این فاصله ای که از هر ویژگی داره میتواند اهمیت رو نسبت به آن ویژگی نشان دهد. مثلا اگر فاصله ای دو ویژگی اشده دو ویژگی اهمیت یکسانی روی کلاستر و مرکز x2 یکسان باشد، یعنی این دو ویژگی اهمیت یکسانی روی کلاستر و مرکز center1 داشته اند.

در مرحله بعدی به ازای هر ویژگی و در هر کلاستر، یک سری وزن میدهد که نشان دهنده آن اهمیت آن ویژگی در کلاسترینگ است.

```
[b] kms.feature_importances_ # Features here are words
```

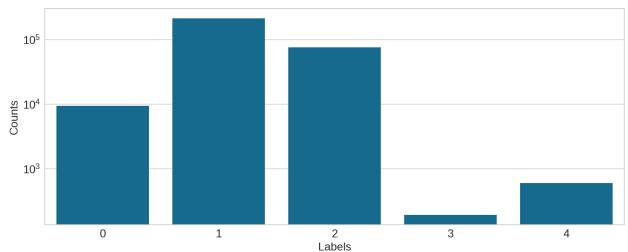
```
{0: [('FEATURE24', 2.87429596004089),
      ('FEATURE1', 2.866443490722764),
      ('FEATURE18', 2.841860389428389),
      ('FEATURE31', 2.7982806699813643),
      ('FEATURE26', 2.789413949139161),
      ('FEATURE42', 2.7818470257933274),
      ('FEATURE47', 2.7519606373687755),
      ('FEATURE44', 2.7510131996188614),
      ('FEATURE30', 2.6584426334895457),
      ('FEATURE16', 2.6489313437240294),
      ('FEATURE25', 2.6232215909667165),
      ('FEATURE41', 2.56457576830041),
      ('FEATURE65', 2.560330624146655),
      ('FEATURE48', 2.559637525184282),
      ('FEATURE75', 2.5572933473813357),
      ('FEATURE29', 2.513176889492789),
```

چون مجموع وزن ها در هر کلاستر برابر با ۱ نبود، ایتدا آن را نرمالایز نمودم تا بتوان مقایسه خوبی را نسبت به وزن ویژگیها در هر کلاستر و با کلاستر دیگر داشت.

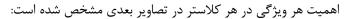
```
Normalized Data:
    Key 0: [('FEATURE24', 0.02585059190733556), ('FEATURE1', 6
    Key 1: [('FEATURE72', 0.03170169986096343), ('FEATURE64',
    Key 2: [('FEATURE72', 0.041796581019511565), ('FEATURE64']
    Key 3: [('FEATURE56', 0.09606179988167333), ('FEATURE53',
    Key 4: [('FEATURE43', 0.03298681147713984), ('FEATURE32',
[ ] # Calculate the sum of values for each key in the normali:
     key_sums2 = {key: np.sum([val for _, val in sublist]) for
     # Print the sum of values for each key
     print("Sum of Values for Each Key:")
     for key, total_sum in key_sums2.items():
         print(f"Key {key}: {total_sum}")
    Sum of Values for Each Key:
    Key 0: 1.0
    Key 1: 1.0
    Key 2: 1.0
    Key 3: 1.000000000000000002
    Key 4: 1.0
```

### توزيع هر كلاستر:

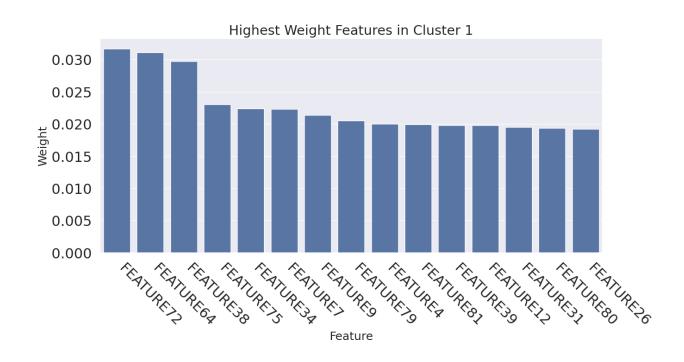


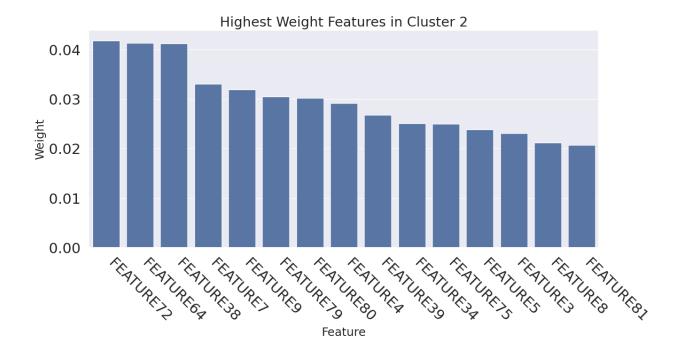


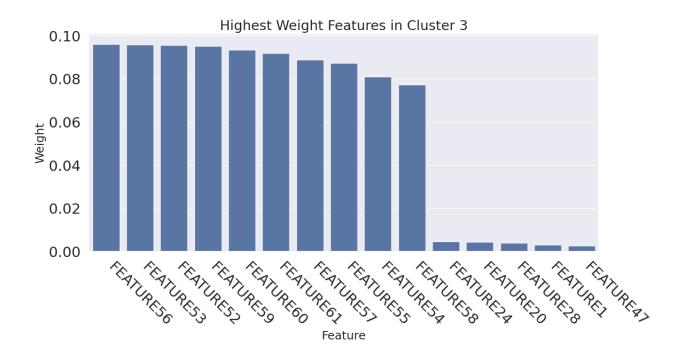
قسمت ۴. الف:













#### تحليل:

با توجه به قسمت سوم و correlation، ویژگیهایی که با هم بسیار corre بالایی داشتند در این رتبه بندی نیز در کنار هم یا با فاصلهای نزدیک کنار یکدیگر ظاهر شدند. برای مثال feature 48 و feature 65 وابستگی بسیار بالایی به یکدیگر داشتند.

ویژگی های موجود در این دیتاست اسم و مشخصاتی ندارند، بنابراین نمیتوان به طور خاص توجیه کرد که چرا این ویژگی در این کلاستر اهمیت بسیار بیشتری داشته و یا هر کلاستر نشان دهنده کدام داده ها هستند. ولی به طور کلی سه ویژگی ای که بیشترین تاثیر را در هر کلاستر داشته اند به طور خلاصه به صورت زیر است:

```
Normalized Data:

Key 0: [('FEATURE24', 0.02585059190733556), ('FEATURE1', 0.025779969054772787), ('FEATURE18', 0.02555887570592762), (

Key 1: [('FEATURE72', 0.03170169986096343), ('FEATURE64', 0.031128536134494473), ('FEATURE38', 0.029763296286535804),

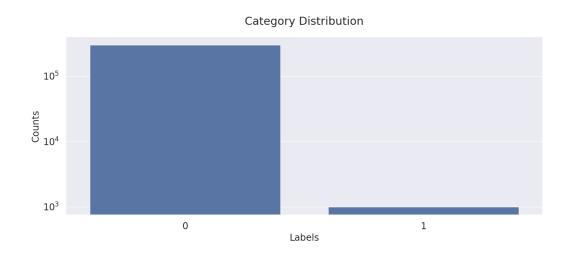
Key 2: [('FEATURE72', 0.041796581019511565), ('FEATURE64', 0.04131049956229421), ('FEATURE38', 0.041198302760568566),

Key 3: [('FEATURE56', 0.09606179988167333), ('FEATURE53', 0.09590634625461346), ('FEATURE52', 0.09553035959927794), (

Key 4: [('FEATURE43', 0.03298681147713984), ('FEATURE32', 0.03287788752791686), ('FEATURE29', 0.03276984365895396), (
```

و هم چنین مقدار تاثیر گذاری ۱۵ ویژگی اول روی کلاستربندی هر خوشه یک گونه نیست. مثلا در کلاستر سوم، وزن های ۳ ویژگی اول وزن ها متعادل ویژگی اول وزن ها متعادل تر است. تر است.

قسمت ۴. ب: توزیع هر کلاستر (۰ و ۱) با توجه به class label :



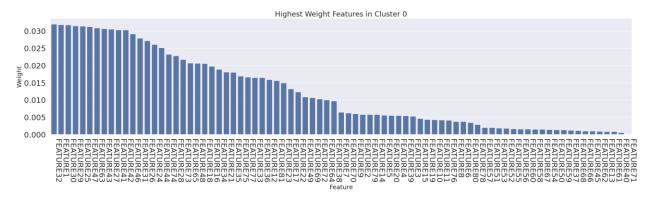
ابتدا داده های مختص هر class label را جدا میکنیم به  $df_0$  و  $df_0$ . با توجه به آنکه  $df_0$  تعداد داده های بسیار کمی (۹۹۰) در برابر دیگر کلاستر دارد در مراحل بعدی این را لحاظ نمودیم و undersampling انجام دادیم. پس از آن مانند سوال قبلی از کتابخانه kmeans\_feature\_imp و تابع KMeansInterp مجددا استفاده شده است. و مقدار کلاستر را نیز به تعداد یک قرار دادم.

و فیچرها را با توجه به معیار wcss رتبه بندی کرده و نمایش دادیم. برای مثال برای کلاستر0:

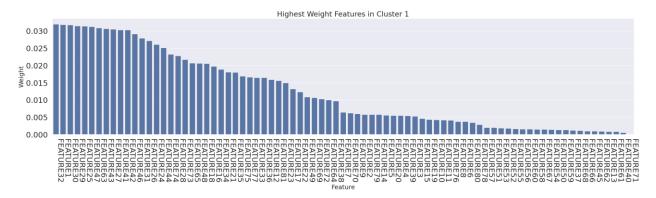
#### [109] kms.feature\_importances\_.items()

```
dict_items([(0, [('FEATURE32', 0.033570078829906556), ('FEATURE1', 0.033444601559284935), ('FEATURE30', 0.0332988699358991), ('FEATURE29', 0.03302786855254486), ('FEATURE25', 0.032303663014392866), ('FEATURE42', 0.03834308462097585), ('FEATURE63', 0.032419176129203184), ('FEATURE43', 0.032176151765242396), ('FEATURE71', 0.032835330842097585), ('FEATURE63', 0.032419176129203184), ('FEATURE44', 0.03655220540001051), ('FEATURE31', 0.02927427355296631), ('FEATURE26', 0.0285906366866804128), ('FEATURE24', 0.027383772712384267), ('FEATURE42', 0.02639362312738561), ('FEATURE74', 0.024418530026525796), ('FEATURE28', 0.02971601034282), ('FEATURE73', 0.027757320716182), ('FEATURE55', 0.017757904484832), ('FEATURE18', 0.02672797320716182), ('FEATURE55', 0.017757904484832), ('FEATURE55', 0.017757904484832), ('FEATURE75', 0.01757904484832), ('FEATURE75', 0.01757904484832), ('FEATURE75', 0.01757904484832), ('FEATURE51', 0.015757904484832), ('FEATURE51', 0.01575905790454832), ('FEATURE51', 0.01575905790454832), ('FEATURE51', 0.01575905790454832), ('FEATURE51', 0.016433095546711398), ('FEATURE52', 0.01575957905495432), ('FEATURE51', 0.0157595790454832), ('FEATURE51', 0.0164320579051454), ('FEATURE51', 0.0164320579051454), ('FEATURE51', 0.0164320579051454), ('FEATURE51', 0.00661794590579057847997), ('FEATURE51', 0.00651790454991), ('FEATURE51', 0.0066179045049), ('FEATURE51', 0.006617
       0.0005918912530823929), ('FEATURE71', 0.00016685965352795663)])])
```

### رتبه بندی ویژگی ها در کلاستر 0:



### رتبه بندی ویژگی ها در کلاستر 1:

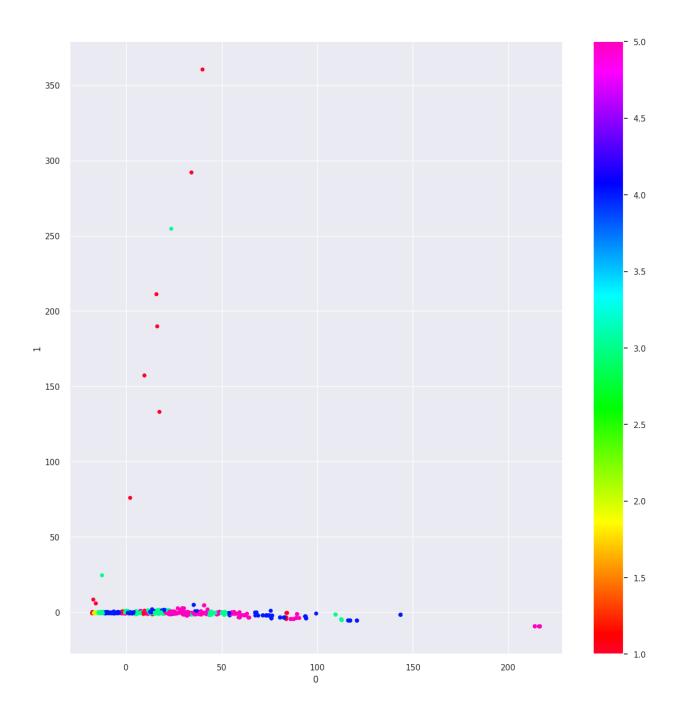


قبل از اجرای این الگوریتم، ابتدا یک undersampling روی دیتاست قرار میدهم هم به جهت آنکه داده های ما بسیار زیاد اند و زمان اجرای الگوریتم بسیار طولانی خواهد شد و نیز به دلیل جلوگیری از overfit و imnalance بودن دیتاست. از لیبل ۰ به اندازه دو برابر لیبل ۰ برمیداریم.

بعد از آن pca را روی دیتاست اجرا میکنیم تا دو بعدی شود. چون ورودی الگوریتم chameleon که از این لینک استفاده شده است، فقط دو بعدی میگرفت.

چند بار الگوریتم را با پارامترهای مختلف بررسی نمودم منتها جواب های sillhouet متفاوت بود. چون روی کل دیتاست هم اجرا نکردم. اما به ازای این پارامترهای مقدار sil برابر با ۰.۰۸ شد. درست است مقدار پایینی است و کلاسترینگ خوبی را نداشته است. پس از اجرای الگوریتم chameleon روی دیتاست. با تعداد کلاستر برابر با ۵ و knn=4، خروجی گراف حاصل از آن به شرح زیر است:



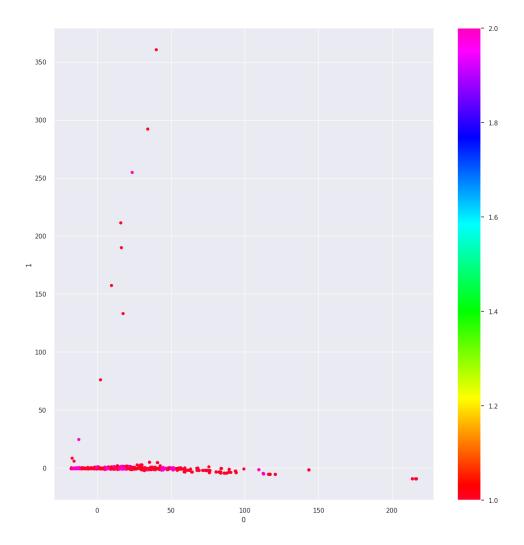


برای پارامترهای تعداد کلاستر برابر با ۲ و مقدار knn=4 تصویر به این شکل شد:

شکل اول در واقع گراف کلی را نشان میدهد که هر نقطه به ۴ نقطه دیگر متصل است. و بنظر میرسد که یک سری داده که در خط افقی قرار دارند، چگالی زیادی دارند و نقاط کمی هستند که در راست مثلث قرار دارند و با قاعده مثلث فاصله زیادی دارند. شاید این نقاط outlier باشند.



در تصویر بعدی، که حاصل از کلاسترینگ الگوریتم chameleon است، نقاط صورتی نقاط دارای برچسب و نقاط قرمز برچسب یک هستند. و این تصویر همان تصویر بالایی است که هر نقطه هر راس را نشان میدهد. و احتمالا دو کلاستری حاصل از قرار گیری نقاط قرمز و اتصال یالی بین آن ها با هم و اتصال نقاط صورتی با هم دیگر است. با توجه به آنکه نقاط صورتی و قرمز از هم گسیختگی و قابلیت تمییز آن ها کم است و این را در معیارها هم متوجه میشویم که مقادیر خوبی را نشان نمیدهد.



تصویر بعدی داده ها را به همراه labeld ای که الگوریتم chameleon به آن اختصاص داده است را نشان میدهد.

# Print the merged DataFrame merged_df															
FEATURE6	FEATURE7	FEATURE8	FEATURE9	FEATURE10		FEATURE73	FEATURE74	FEATURE75	FEATURE76	FEATURE77	FEATURE78	FEATURE79	FEATURE80	FEATURE81	cluster
-0.220401	-0.683471	-0.329882	-0.603371	-0.533083		-0.274764	-0.390445	-0.501802	-0.296158	-0.034003	-0.878343	-0.596197	-0.542861	-0.572221	1
-0.220401	-0.683471	-0.329882	-0.603371	-0.275166		-0.282714	-0.390445	-0.501802	-0.296158	-0.034003	-0.878343	-0.596197	-0.542861	-0.438186	1
-0.220401	-0.683471	-0.329882	-0.700488	-0.533083		-0.258863	-0.378129	-0.501802	-0.296158	-0.034003	-0.878343	-0.514285	-0.542861	-0.706257	1
4.259352	3.863831	3.580990	4.349559	0.240670		15.332191	18.218258	21.807810	1.632692	43.044045	0.157306	4.631729	3.521426	22.347851	0
-0.220401	-0.380318	-0.329882	-0.506255	0.240670		-0.083950	-0.353498	-0.501802	-0.296158	-0.034003	1.192955	-0.596197	-0.542861	-0.572221	1
-0.220401	-0.607683	-0.329882	-0.506255	-0.533083		-0.282714	-0.390445	-0.501802	-0.296158	-0.034003	-0.878343	-0.596197	-0.542861	-0.706257	1
0.899537	-0.152953	-0.329882	-0.117790	-0.017248		-0.258863	-0.267290	0.123701	-0.296158	-0.034003	-0.878343	-0.145680	-0.016773	0.634099	0
0.899537	-0.152953	-0.329882	-0.117790	-0.275166		-0.139604	0.003651	0.123701	0.668267	-0.034002	0.157306	-0.048874	-0.112426	0.500063	0
-0.220401	-0.077164	-0.329882	-0.409139	1.014423		-0.219110	-0.316552	-0.293301	-0.296158	-0.034003	0.157306	-0.391416	-0.367499	-0.706257	0
-0.220401	-0.759260	-0.329882	-0.700488	-0.533083		-0.266813	-0.378129	-0.501802	0.668267	-0.034003	0.157306	-0.678109	-0.542861	-0.706257	1

پارامترهای مختلفی روی این دیتاست آزمایش شد اما با 4=knn و تعداد کلاستر برابر با ۲ نتیجه بهتر از سایرین بود.

تحلیل ویژگی های مهم:

براى اين قسمت از دو روش استفاده كردم. اول با pca و روش دوم استفاده از الگوريتم supervised مانند random forest. با pca

پس از انکه خروحی الگوریتم cham را مشاهده نمودیم. یک سری label به ازای هر row ایحاد میکندو چون این label ها برای دیتاستی هست که دو بعدی بوده پس لازم است آن را دیتاست اصلی (قبل از pca) مرج کنیم.

merged_df	ne mergea	Datarrame												
FEATURE6	FEATURE7	FEATURE8	FEATURE9	FEATURE10	 FEATURE73	FEATURE74	FEATURE75	FEATURE76	FEATURE77	FEATURE78	FEATURE79	FEATURE80	FEATURE81	cluster
-0.220401	-0.683471	-0.329882	-0.603371	-0.533083	-0.274764	-0.390445	-0.501802	-0.296158	-0.034003	-0.878343	-0.596197	-0.542861	-0.572221	1
0.220401	-0.683471	-0.329882	-0.603371	-0.275166	-0.282714	-0.390445	-0.501802	-0.296158	-0.034003	-0.878343	-0.596197	-0.542861	-0.438186	1
-0.220401	-0.683471	-0.329882	-0.700488	-0.533083	-0.258863	-0.378129	-0.501802	-0.296158	-0.034003	-0.878343	-0.514285	-0.542861	-0.706257	1
4.259352	3.863831	3.580990	4.349559	0.240670	15.332191	18.218258	21.807810	1.632692	43.044045	0.157306	4.631729	3.521426	22.347851	0
-0.220401	-0.380318	-0.329882	-0.506255	0.240670	-0.083950	-0.353498	-0.501802	-0.296158	-0.034003	1.192955	-0.596197	-0.542861	-0.572221	1
-0.220401	-0.607683	-0.329882	-0.506255	-0.533083	-0.282714	-0.390445	-0.501802	-0.296158	-0.034003	-0.878343	-0.596197	-0.542861	-0.706257	1
0.899537	-0.152953	-0.329882	-0.117790	-0.017248	-0.258863	-0.267290	0.123701	-0.296158	-0.034003	-0.878343	-0.145680	-0.016773	0.634099	0
0.899537	-0.152953	-0.329882	-0.117790	-0.275166	-0.139604	0.003651	0.123701	0.668267	-0.034002	0.157306	-0.048874	-0.112426	0.500063	0
-0.220401	-0.077164	-0.329882	-0.409139	1.014423	-0.219110	-0.316552	-0.293301	-0.296158	-0.034003	0.157306	-0.391416	-0.367499	-0.706257	0
-0.220401	-0.759260	-0.329882	-0.700488	-0.533083	-0.266813	-0.378129	-0.501802	0.668267	-0.034003	0.157306	-0.678109	-0.542861	-0.706257	1

برای آنکه متوجه شویم که در هر کلاستر چه ویژگی هایی تاثیر گذار بوده اند، با توجه به آنکه کارکرد pca با واریانس است، یعنی آن ویژگیهایی که واریانس بالاتری دارند، نشان دهنده آن است که اطلاعات بیشتری دارند. پس می توانیم از pca برای مشخص نمودن اینکه چه ویژگی اهمیت بیشتری داشته است، استفاده نماییم. برای این کار ابتدا labelهای هر کلاستر را جدا می کنیم. (منظور این است که دادههای هر کلاستر را در یک دیتافریم مجزا قرار می دهیم) و روی هر کدام از آن ها pca اجرا میکنیم تا متوجه شویم با توجه به pca و انتخاب pca کدام ویژگی اولویت بالاتری (واریانس بالاتری و به تبع آن اهمیت بیشتری) داشته است.

در این تحلیل از Cumulative explained variance استفاده می شود که واریانس توضیح داده شده تجمعی معیاری است که در تجزیه و تحلیل مؤلفه اصلی (pca) برای تعیین کمیت مقدار واریانس در مجموعه داده اصلی که توسط هر مؤلفه اصلی و با ترکیبی از مؤلفه های اصلی چندگانه حفظ می شود، استفاده می شود.

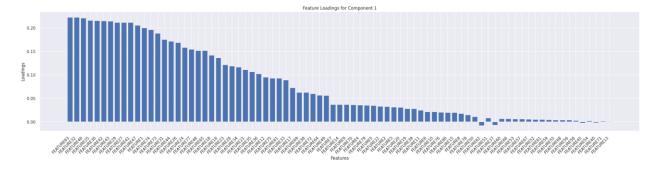
در آخر دو تا لیست خروجی میدهیم که ویژگی ها را رتبه بندی میکند. که در کد قرار دارد.

برای مثال:

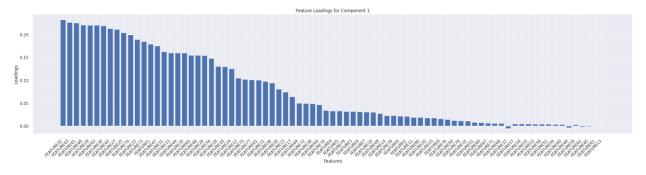
Component 1:

نمودارهای آن ها نیز به شرح زیر است:

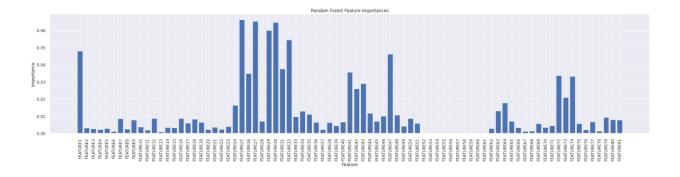
برای کلاستر 0:



### برای کلاستر ۱:



در قسمت بعدی برای تحلیل ویژگی ها از الگوریتم supervised مانند random forest استفاده نمودیم. در این روش ابتدا مانند روش قبل (pca) دیتاهای هر کلاستر را جدا نموده و سپس بر روی آن الگوریتم RF را اجرا نمودم و از ویژگی feature importance آن برای رتبه بندی فیچر ها استفاده نمودم. اما وزن هر feature را برابر با صفر نشان داد. مجددا کار را بر روی همه دیتاست و بدون جدا کردن لیبل ها انجام دادم که نتیجه زیر را نشان داد:

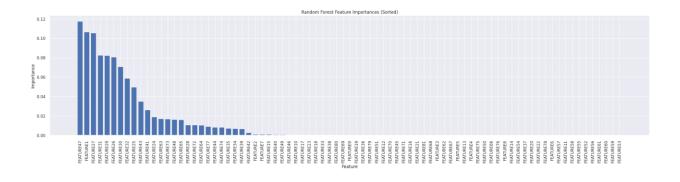


با توجه به هر دو تحلیل، مثلا ویژگی feature 25, 27, 30 در هر دو نوع تحلیل اهمیت بالایی داشته است.

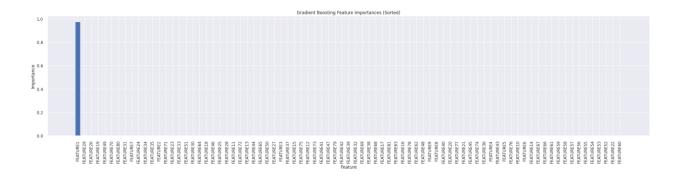
### Supervised:

در این قسمت با توجه به انکه در قسمت های قبل میدانیم که دیتاست ما imbalance است، ۹۹۰ در برابر ۲۸۰۰۰۰. بنابراین در این نوتع دیتاست undersampling بهتر است. ابتدا به صورت برابر از هر دو کلاس در undersampling خود قرار دادم. و با توجه به نتایج و دیتاست تصمیم گرفتم که دوبرابر از داده های نوع 0 در sample خود قرار دهم که تا حد کمی به دیتاست اصلی شبیه شود. حتی cross دیتاست تصمیم گرفتم که دوبرابر از داده های نوع 0 در علی نتیجه زیاد تغییر نکرد بنابراین روی مدل های بعدی صرفا بدون validation نیز روی امدال های بعدی صرفا بدون validation اجرا نمودم.

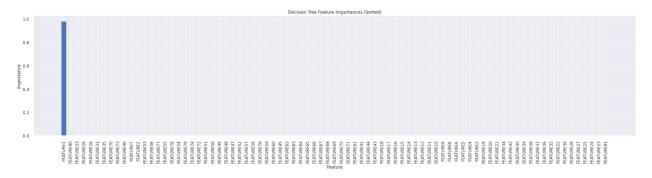
#### Random forest:



### **Gradient Boosting:**



#### **Decision Tree:**

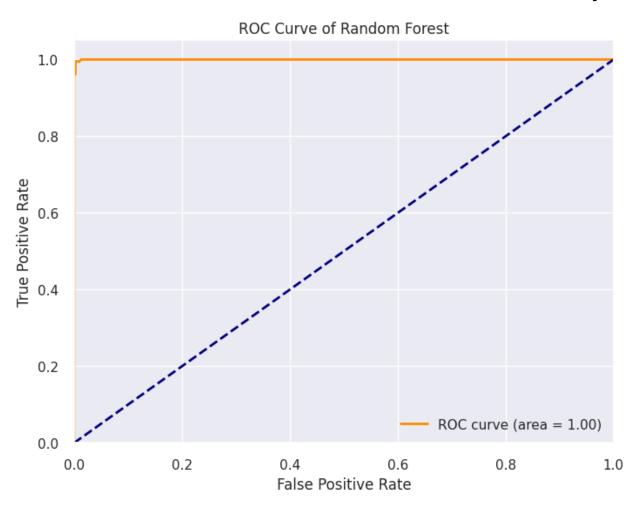


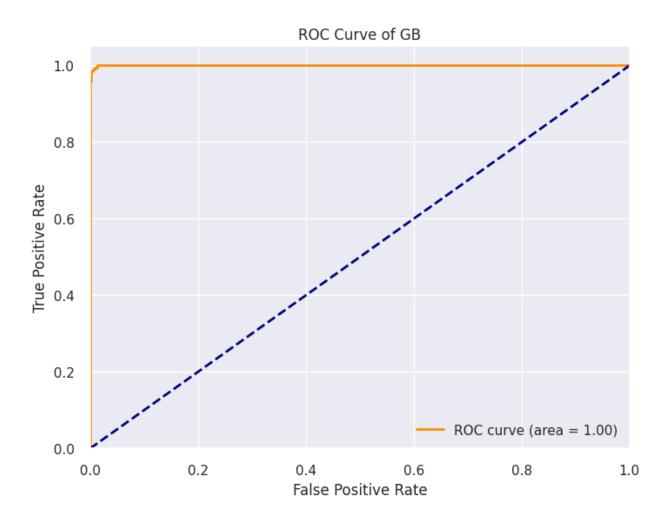
#### تحليل:

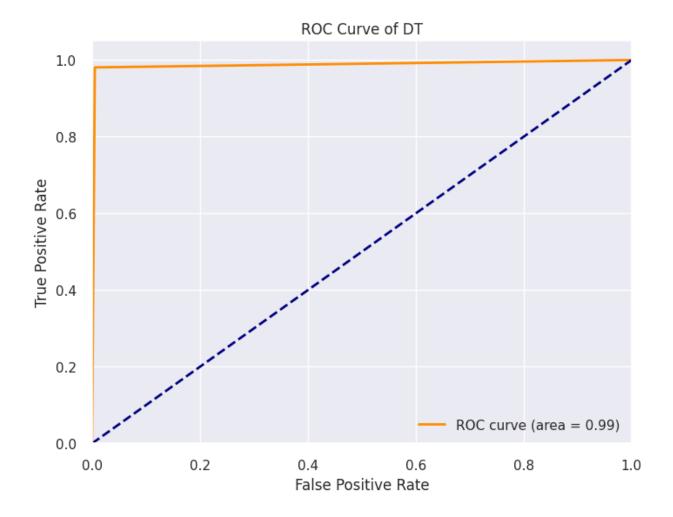
وزن هر کدام از فیچر ها در این classificationها متفاوت است. اما feature 1 در همه ضریب بالایی را داشته است پس نشان میدهد که feature 47 مهمی است. و نقش بسزایی در clustering داشته است. هم چنین feature 1 در قسمت سوم از پروژه با 47 feature مهم بستگی زیادی داشته است. و همان طور هم که در نمودار نشان داده شده در random forest نیز مشاهده میکنیم این دو تا در کنار هم و در اولویت بالایی قرار دارند. هم چنین برای مثال feature 27 در خروجی random forest از اهمیت نسبتا بالایی برخوردار است و ما این ویژگی را نیز در قسمت ۴. الف نیز مشاهده مینماییم که در کلاسترهای مختلف (مخصوصا ۴) نیز اهمیت نسبتا بالایی داشته است.

4. ارزیابی

## :Random Forest برای Roc







هر سه الگوریتم از نظر ویژگی های ارزیابی خوب هستند اما با اختلاف کمی بنظر random forest بهتر است. چون دیتاست ما imbalance بود دقت بالای ۹۹ درصد میدهد. و overfit است. نمودار roc هم نشان دهنده این است که در هر دو الگوریتم این نتایح خوب است و چون بالای خط ۵۰ درصد یعنی تصادفی نیست. اما roc برای random forest و GB بهتر است(۱ در برابر ۹۹.۰ :) ).

A	В	С	D	E	F	G
	accuracy	Precision	Recall	F1-score	Support	RMSE
Random Forest	0.994949495	class 0: 0.9974 class 1:0.9951	class 0: 0.9974 class 1:0.9951	class 0: 0.9974 class 1: 0.9951	class 0: 386 class 1: 208	0.058
GradientBoosting	0.9915	class 0: 0.9922 class 1:0.9903	class 0: 0.9948 class 1:0.9855	class 0: 0.9935 class 1:0.98795	class 0: 386 class 1:208	0.0917
Decision Tree	0.989	class 0: 0.9896 class 1:0.9902	class 0: 0.9948 class 1: 0.9807	class 0: 0.9922 class 1:0.9855	class 0: 386 class 1:208	0.1

با توجه به جدول بالا هر سه خوب هستند اما random forest قدرت خودش رو در rmse نشان میدهد که بهتر از بقیه عمل میکند. چون مقادیر کمتر بهتر است. در بقیه معیارها نیز با اختلاف هر چند کم بهتر است.

8		silhouette	calinski_harabasz_score	davies_bouldin_score	distortion_score
9	k-means 4.a	0.57	1476.234	0.9275	407984.161
10	k-means 4.b		29115.91	1	19337199.6
11	chameleon	0.053	106.0698	3.692568	nan

امتیاز Silhouette: میزان جداسازی خوشهها را اندازه گیری می کند. مقادیر نزدیک به ۱ نشان دهنده خوشه های به خوبی از هم جدا شده اند، در حالی که مقادیر نزدیک به -۱ نشان دهنده خوشه های همپوشانی هستند.

امتیاز Calinski-Harabasz: نسبت واریانس بین خوشه ای به واریانس درون خوشه ای را ارزیابی می کند. مقادیر بالاتر نشان دهنده خوشه های با تعریف بهتر است.

امتیاز Davies-Bouldin: میانگین شباهت بین هر خوشه و مشابه ترین خوشه را اندازه گیری می کند. مقادیر پایین تر نشان دهنده خوشه بندی بهتر است.

Distortion Score: مجموع فاصله های مجذور بین نقاط داده و خوشه های اختصاص داده شده را نشان می دهد. مقادیر پایین تر نشان دهنده خوشه های فشرده تر است.

#### تحليل:

با توجه به این معیارها، به نظر می رسد k-means با ۵ خوشه (قسمت الف سوال ۴) در چندین معیار عملکرد نسبتاً خوبی دارد. تا بقیه موارد. در Distortion Score الگوریتم k-means عملکرد بهتری داشته است. مقایسه cham با بقیه جالب نیست چون روی کل دیتا این الگوریتم اجرا نشده است.

۷. نتیجه گیری:

الف:

بله وجود دارند. همانطور که در خلال گزارش توضیح داده ام، ویژگی ای مثل feature 1 در همه حالات تاثیر گذار بوده است. و هم چنین ویژگی هایی که با او هم correlate بالایی داشته است،یعنی feature 47 که در نزدیکی آن آمده است. این ویژگی در supervised اهمیت بسیار بالایی دارد در unsupervised نیز جزء ویژگی های پر اهمیت است. درست است که اولین نیست ولی اهمیت خودش را نشان میدهد و جز ۱۰ تا ویژگی اول است.

ب:

اگر از نظر میزان دقت و بقیه پارامترها در نظر بگیریم. چون که ما k-means را روی کل دیتاست قرار دادیم و بقیه معیارها را روی آثر از نظر میزان دقت و بقیه پارامترها در نظر بگیریم. چون که ما undersampling انجام دادیم شاید نتوانیم مقایسه درست و حسابی داشته باشیم. اما بنظرم از لحاظ وزن دهی الگوریتم های کلاسترینگ بیشتر به همه ویژگی ها اهمیت داده بودند اما supervised ها مانند GB و با اختلاف بسیاری به یکی از ویژگی ها بایاس شده بودند و به آن، اهمیت دادند. و در سه الگوریتمی که برای supervised بررسی نمودم، random forest رتبه بندی منطقی تری داشت.

از لحاظ متریک ها و معیارهای اندازه گیری، منطقا و با توجه به جداول میتوانیم بگوییم supervised خروجی بهتری را نشان داده است.

ج)

۱. با توجه به جداول و معیارها classification بهتر از clustering عمل کرده است. البته همانطور که اشاره شد، ما الگوریتم های classification را روی دیتاستی اجرا کردیم که undersampling بود و زیاد نمیتوان به نتایج اکتفا نمود. چون علی رغم اینکه cross validation وزن دار را قرار دادم، اما مجددا نتایج تفاوت خاصی نکرد چون واقعا دیتاست imbalance بود و حجم یک لیبل که ۱ بود نسبت به دیگری بسیار بسیار کم بود. و احتمال overfit بالا میرود.

در مورد خود هر كدام از روش هاى clustering (چون تفاوت زيادى بين آن ها بود. در classification تفاوت بالا نبود و همه مثل هم بودند) براى الگوريتم cham نسبت به k-means مجددا روى ديتاست يكتايى اجرا نشده است. اما با توجه به پارامترهايى كه به الگوريتم داده شد بنظرم براى اين نوع ديتاست k-meand جواب بهترى ميدهد(با توجه به موردالف و مقدار silhouette )